

گوته ایی از فضایل حضرت علی (ع)

جميع خلق در جميع علوم، عيال على عليه السلام باشند، زیرا که او در غایت ذکا و زیرکی و فهم بود و حرص یاد گرفتن داشت، و او را همچو رسول خدا صلی الله علیه و آله معلّمی و استادی بود و شب و روز در خدمت آن حضرت به سر می برد و یک ساعت و یک لحظه از آن حضرت جدا نبود



علم علی علیه السلام

جميع خلق در جميع علوم، عيال على عليه السلام باشند، زیرا که او در غایت ذکا و زیرکی و فهم بود و حرص یاد گرفتن داشت، و او را همچو رسول خدا صلی الله علیه و آله معلّمی و استادی بود و شب و روز در خدمت آن حضرت به سر می برد و یک ساعت و یک لحظه از آن حضرت جدا نبود و میل تمام به یاد گرفتن او داشت و نهایت سعی و جدّ به جای می آورد تا آنکه به مرتبه ای رسید که آن حضرت فرمود: **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا**.

داناترین امت

در کتاب مناقب خوارزمی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حکمت و معرفت و علم و عرفان را قسمت نمودند به ده قسم، پس عطا کرده شد به علی علیه السلام ثه جزء، و یک جزء را به جميع مردمان دادند و نیز فرمود: داناترین امت من بعد از من، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

زهد علی علیه السلام

از عبدالله رافع نقل می کنند که: نعلین علی علیه السلام از لیف خرما بود و جامه را گاهی به پوست و گاهی به لیف خرما پینه می زد و دو جامه را به چهارده درهم می خرید، یکی را به قنبر می داد و یکی را خود می پوشید. نان خورش آن حضرت سرکه بود یا نمک و اگر بر اینها زیاده نمودی از سبزی ها و گیاه های زمین، خورش ساختی، و از گوشت مکرّر نخوردی و اگر هم خوردی بسیار کم خوردی و فرمودی که شکم خود را مقبره حیوانات مسازید، غلاف شمشیرش از لیف بود و جامه را کوتاه پوشیدی و درشت.

عبادت علی علیه السلام

علی علیه السلام عابدترین مردم و عباد بود و عبادت هیچ کس به عبادت آن حضرت نمی رسید، صائِم النهار و قائِم الليل بود و روزها روزه داشتی و شب ها عبادت پروردگار به روز آوردی و شبانه روز هزار رکعت نماز کردی، پیشانی آن حضرت از بسیاری سجود همچو زانوی شتر پینه کرده بود. از جمله عبادت های آن حضرت یکی آن است که از کسب دست مبارک هزار بنده خرید و آزاد کرد.

جود و کرم علی علیه السلام

علی علیه السلام در مدینه باغی داشت که همه کس را آرزوی آن بود، و آن را به ده هزار دینار فروخت و جميع [پول] آن را در مسجد به فقرا و مساکین بخش نموده به خانه آمد، در حالتی که وجه وعده ای غذا از آن نمانده بود. فاطمه علیها السلام گفت: تو می دانی که حَسَنین دو روز است که چیزی نخورده اند، و من و تو نیز همان حال داریم، از این باغ مرا یک رَطلُ آرد جو نصیب نبود؟ گفت: جماعتی که ذلّ سؤال در چهره ایشان مشاهده نتوانست کرد مانع آمدند که از آن چیزی به خانه آورم.

پدید آورنده : مقدس اردبیلی ، صفحه 66